

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال ششم - شماره اول - بهار ۱۳۹۲ - شماره پیاپی ۱۹

## لغت نامه دهخدا و دو اشتباه در مورد خواجه حسین ثنایی مشهدی

(ص ۲۳۰-۲۱۹)

فاطمه کوپا، احترام رضایی (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱۰/۴

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۱/۱۲/۷

### چکیده

مرحوم علی اکبر دهخدا سالیان زیادی را صرف تدوین جامعترین لغتنامه زبان فارسی نمود. اما گستردگی کار باعث گردیده علیرغم دقت فراوانی که در تألیف لغتنامه بکار رفته است؛ ایراداتی نیز بر آن وارد آید. از آن جمله، مواردی است مربوط به شرح احوال خواجه حسین ثنایی و اشعار وی در متن لغتنامه. در این مقاله برآنیم تا ضمن بررسی احوال شاعر مذکور در تذکره‌ها و کتابهای تاریخ ادبیات به این نتیجه برسیم که اولاً تاریخ فوت ثنایی در لغتنامه به اشتباه ۱۱۹۶ ه. ق ذکر شده حال آنکه او متوفی ۹۹۶ ه. ق است و ثانیاً برخی اشعار او به اشتباه به نام سنایی غزنوی در لغتنامه دهخدا راه یافته و شرح حال او نیز با دیگران خلط شده است.<sup>۳</sup>

### کلمات کلیدی

لغتنامه دهخدا، سنایی غزنوی، ثنایی مشهدی

۱. استاد دانشگاه پیام نور تهران

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی؛ عضو علمی دانشگاه پیام نور مرکز شاهین دژ آذربایجان غربی em12\_rezaee@yahoo.com

۳. این مقاله برگرفته از رساله دکتری به راهنمایی دکتر فاطمه کوپا و مشاوره دکتر محمدعلی پشتدار و دکتر نرگس محمدی بدر است.

## مقدمه

مرحوم علی اکبر دهخدا (۱۲۹۷ ه. ش - ۱۳۳۴ ه. ش) دانشمند فرهیخته و ادب پژوه توانا حدود چهل و پنج سال از بهترین روزهای زندگی پر بارش را صرف تدوین جامعترین فرهنگ فارسی موسوم به لغتنامه نمود. وی در این مدت، با همکاری جمعی از اهل تحقیق، قریب سه میلیون فیش از روی متون معتبر استادان نظم و نثر زبان فارسی و عربی و فرهنگهای چاپی و خطی و کتب تاریخ و جغرافیا و طب و هیأت و نجوم و ریاضی و حکمت و فقه و... فراهم آوردند. <sup>(لغتنامه، مقدمه)</sup> لغتنامه جدای از آنکه جامع فرهنگهای مهم فارسی و عربی است؛ دربردارنده ترکیبات و کنایات و اصطلاحاتی است که در بسیاری از فرهنگها یافت نمیشود و دهخدا و یارانش از متون قدیمی علمی و ادبی آنها را استخراج نموده اند.

در ذیل بسیاری از کلمات لغتنامه، از شواهد معتبری در نظم و نثر استفاده شده است. در نقل شواهد از یک سو کوشش شده که از معتبرین و قدیمیترین نسخ استفاده گردد. از سوی دیگر تلاش شده است که تا حد امکان از اغلاط و خطایا مبرا باشد اما از آنجا که تنها املائی ننوشته غلط ندارد، لغتنامه نیز شاید به جهت گستردگی کار مبرا از اشتباه نیست. مرحوم دهخدا خود به این مطلب اذعان دارند به همین دلیل در مقدمه لغتنامه به نقل از دکتر معین میخوانیم: «مسلم است که به نسبت عظمت وی [لغتنامه]، اشتباهات و خطاهای بسیار در آن راه یافته و هیچکس بیش از مرحوم دهخدا و اعضای لغتنامه از این لغزشها آگاه نیستند. مرحوم دهخدا میفرمود در تألیف عظیمی مانند لغتنامه تا ده هزار اشتباه معفو است.» <sup>(لغتنامه، مقدمه)</sup> علامه دهخدا همچنین در خصوص اعلام میگوید: «بسیاری برآنند که اگر لغتنامه بدون اعلام طبع میشد، بهتر بود. بالعکس معتقدیم چون در عصر ما فرهنگ اعلامی به زبان فارسی آن هم بدین تفصیل، تدوین و طبع نشده است و ما این کار را هم ضمن تألیف و تدوین لغتنامه انجام داده‌ایم، دریغ است که بخش اعلام را جدا کرده و دور بینداریم. نویسندگان یقین دارد که محققان به مرور به لزوم طبع اعلام توجه بیشتری خواهند فرمود و نقایص آنها را رفع خواهند نمود.» <sup>(لغتنامه، مقدمه)</sup>

از جمله این نقایص یا بهتر بگوییم لغزشهای سهوی میتوان به دو مورد مربوط به ثنایی مشهودی اشاره نمود که مورد اول در اعلام و مورد دوم در شواهد شعری لغتنامه رخ داده است.

پرداختن به این مقاله از دو جهت حائز اهمیت است ابتدا تلاش برای برطرف نمودن خطایی هر چند کوچک در کتاب ارزشمندی چون لغتنامه و دیگر معرفی بیشتر خواجه حسین ثنایی، شاعر برجسته‌ای که بزرگی چون مرحوم صفا او را متفاوت با معاصرانش میخوانند: «تنها کسی که طرزش با متقدمان تفاوت یافت و شیوه‌ای نو بنیاد نهاد خواجه

حسین ثنایی بود که اتفاقاً مورد طعن بعضی از معاصران خویش از جمله ولی دشت بیاضی قرار گرفت. به هر حال مبدأ تحول در شعر خصوصاً قصیده گردید و در تغییر سبک شعر دخالت اساسی نمود.» (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۵/۱، ص ۵۲۸)

در ادامه مقاله، به تفکیک به بررسی این دو مورد میپردازیم.

### شرح حال ثنایی در لغتنامه

لغتنامه در ذیل عنوان «ثنایی» از سه شاعر با نام و تخلص «ثنایی» یاد میکند. این سه نفر عبارتند از:

۱. حسین بن عنایت (خواجه...) یکی از شعرای ایران. او در عهد سلاطین صفوی ملازمت خدمت ابراهیم میرزا داشت و دارای دیوان است.

۲. حسین بن غیاث الدین (خواجه...)، یکی از شعرای ایران. او به زمان اکبر شاه به هندوستان هجرت کرد و در سال ۱۱۹۶ درگذشت. او را به فارسی دیوانی است.

۳. شاعری از مردم ایران و او را منظومه‌ای به نام باغ ارم است. شاید همان ثنایی سابق الذکر است.<sup>۱</sup>»

واقعیت آن است که آنچه در لغت نامه دهخدا برای سه شاعر گرد آمده است در واقع شرح حال یک نفر است.

برای اثبات این مدعا لازم است ابتدا کنکاشی در تاریخ ادبیات داشته باشیم تا نظریات موافق یا مخالف لغتنامه را مطالعه کنیم و حتی شاید بتوانیم مآخذ لغتنامه را در این باب بیابیم. در مراجعه به تذکره‌های مختلف و کتب تاریخ ادبیات از قرن دهم تا کنون بجز قائم مقام فراهانی (۱۱۹۳ ه.ق - ۱۲۵۱ ه.ق) - که در شعر «ثنایی» تخلص مینمود و البته در این مجال جای بحث و سخن ندارد. - در خصوص ثنایی موارد زیر قابل توجه است:

۱. تذکره‌هایی چون شمع انجمن (ص ۱۶۸)، هفت اقلیم (ص ۷۹۴)، نتایج الافکار (ص ۱۷۷)، عرفات العاشقین و عرصات العارفین (ص ۸۸۹)، میخانه (ص ۱۹۸)، شعرای پنجاب (ص ۱۰۵)، مجمع الخواص (ص ۱۴۸)، ریاض الشعراج اول، ص ۴۶۱، بهارستان سخن (ص ۳۸۶) و مآثر رحیمی (بخش سوم ص ۲۲۲) و کتابهای تاریخ ادبیاتی چون تاریخ ادبیات در ایران (ص ۷۷۷)، گلچینی از گلشن رضوان (ص ۲۱۷)، فرهنگ شعرای پارسی و ... تنها از یک ثنایی نام برده‌اند که نام و شرح حال او با نام خواجه حسین ثنایی و شرح احوالش مطابقت دارد.

۱. دهخدا؛ لغتنامه؛ ذیل عنوان «ثنایی»

۲. سفینه خوشگو تألیف بندارین داس در دفتر دوم خویش در کنار ثنایی مشهدی از شاعری دیگر موسوم به ملا ثنایی نام میبرد که اهل گناباد است. سفینه تنها دو سطر در شرح حال او آورده است اما از همین دو سطر و نمونه ابیاتی که ذکر نموده است؛ پیداست که این شاعر متفاوت از ثنایی مشهدی است:

«گونابادی است. به جودت طبع و وسعت مشرب موصوف بوده، شعرای وقت اکبر شاهی بر احترامش می افزودند، بسیار خوش سلیقه بود.» (سفینه خوشگو، بندارین داس: ص ۱۵۱)

۳. میرزا محمد علی مدرسی صاحب «ریحانه الادب فی تراجم المعروفین» از دو ثنایی به ترتیب زیر یاد میکند:

**نخست:** «خواجه حسین بن عنایت میرزا از شعرای اواخر قرن دهم هجری ایران میباشد که به ثنایی تخلص میکرد و در خدمت ابراهیم میرزا پسر شاه اسماعیل صفوی (۹۰۶-۹۳۰ ه.ق) بود. دیوان مرتبی بدو منسوب است. زمان وفاتش مضبوط نیست.»

**دیگر:** «خواجه حسین بن غیاث الدین محمد مشهدی که به ثنایی مشهدی هم موصوف می باشد. شاعری است ایرانی، مداح حضرات ائمه اطهار و به ثنایی تخلص مینموده است. در زمان اکبر شاه هندی به هندوستان رفت. جنازه اش را به مشهد مقس رضوی نقل داده و در آن زمین پاک به خاکش سپردند.» (ریحانه الادب، میرزا محمد علی مدرسی: ص ۳۷۳)

وی در ادامه به دو نسخه موجود از دیوان ثنایی در کتابخانه سپهسالار اشاره میکند و مطلع دیوان او را عینا می آورد.

همانگونه که پیداست موارد ذکر شده توسط لغتنامه نزدیک است به سخن ریحانه الادب و بعید نیست سرچشمه آنچه در لغتنامه دهخدا آمده است، همین صفحه ریحانه الادب باشد. در ادامه برای اثبات اینکه این شروح احوال یا بهتر بگوییم اشارات متفاوت در واقع اطلاعات پراکنده ای از زندگی خواجه حسین ثنایی میباشد و نیز رسیدن به یک نتیجه گیری متقن، لازم است شرح احوال شاعر با توجه به تذکرها و منابع تاریخی مذکور و نیز به استناد دیوان خود او آورده شود:

### زندگینامه ثنایی

در تمامی منابع - همانگونه که ریحانه الادب و لغتنامه در معرفی دومین ثنایی خود ذکر نموده اند. - نام شاعر خواجه حسین پسر غیاث الدین محمد مشهدی آمده است و تنها در مورد اول دهخدا و ریحانه الادب به جای غیاث الدین با نام عنایت روبرو میشویم. تاریخ تولد

شاعر مشخص نیست<sup>۱</sup> اما زادگاهش به یقین شهر مقدس مشهد میباشد. پدرش خواجه غیاث الدین یا به روایت عبدالنبی فخرالزمانی «غیاث الدین علی» (تذکره میخانه، ملا عبدالنبی فخرالزمانی ص: ۱۹۸) در مشهد به شغل بزازی مشغول بوده، در آن پیشه سامان بسیاری به هم رسانیده است و به همین سبب در تذکره‌ها او را «غیاث بزاز» خوانده‌اند. خواجه حسین که در شاعری «ثنایی» تخلص میکرد در آغاز با وجود استعداد شاعری به این کار مداومت نداشته است؛ اما به جهت خوابی که رؤیت نموده، رو به شاعری آورده است.

خواجه حسین پس از روی آوردن به شاعری به سرعت در میان ادیبان زادگاهش صاحب شهرت گردیده است. این شهرت همزمان است با حکومت سلطان ابراهیم میرزای صفوی، پسر بهرام میرزا و نوه شاه اسماعیل اول، بر خراسان. ابراهیم میرزا آنگونه که در تواریخ متعدد آمده است متولد ۹۴۶ ه.ق و مقتول به سال ۹۸۴ ه.ق. میباشد؛ بنابراین تاریخ (۹۰۶-۹۳۰) که در ریحانه الادب برای حیات وی ذکر شده است صحیح نمیباشد.

ابراهیم میرزا که خود در شعر «جاهی» تخلص مینمود پیوسته به تربیت علما و شعرا میکوشید. خواجه حسین خیلی زود در زمره ملازمان ابراهیم میرزا قرار گرفت و تا زمان قتل شاهزاده صفوی پیوسته در سفر و حضر ندیم و همنشین او بوده است؛ تا جایی که هیچ کس نمیتوانسته در خلا و ملاً مانع از ورود او به حضور ابراهیم میرزا گردد. در دیوان ثنایی مشهدی از او با القاب «سلطان نشان سمی خلیل»، «فخر زمان» و «سمی خلیل» یاد شده است. از ثنایی تعدادی قصیده، غزل، یک قطعه و یک ساقینامه در مدح ابراهیم میرزا باقی مانده است. وجود این اشعار دلیلی است بر آنکه خواجه حسین ثنایی همان شاعری است که از وی در مورد اول لغتنامه و ریحانه الادب به عنوان ملازم ابراهیم میرزا یاد شده است. در میان امرا و بزرگان عصر صفوی، ابراهیم میرزا بیشترین بسامد قصاید مدحی ثنایی را به خود اختصاص داده است. ابیات زیر نمونه‌هایی هستند از ثنایی مشهدی در مدح ابراهیم میرزای صفوی:

جهان ز فتنه تهی شد ز عدل شاه و ترا	هنوز فتنه در آن زلف فتنه‌گر گنجد
سر ملوک جهان شاهزاده ابراهیم	که در کف کرمش همچو باد زر گنجد
ز ملک هر دو جهان ایزدش کند معزول	خلاف رایش اگر در دل قدر گنجد
صدف اگر شود از ابر جاهش آبستن	شکوه هر دو جهان در یکی گهر گنجد
دو صد جهان دگر باید آفرید که تا	کمین غلام ترا در جهان حشر گنجد...

(ثنایی، دیوان: قصیده ۲۳)

و یا:

۱. در تذکره‌ها و نیز در شرح حالی که خود او به عنوان دیباچه دیوانش فراهم آورده؛ تاریخ تولد وی ذکر نگردیده است.

دست تو نقد جانها بر خاک راه ریخت  
 سلطان نشان سمّی خلیل آنکه آسمان  
 در دامنش ز عجز زند وقت کار دست  
 هنگام بذل جودش از کثرت درم  
 ترسد چو پا ز دوری ره از شمار دست  
 از تیغ او هوا متحرک اگر شود  
 پران شود ز باد چو برگ چنار دست ...  
 (ثنایی، دیوان، قصیده: ۱۰)

در روز چهارشنبه ۲۷ جمادی الاولی سال ۹۸۴ هجری قمری شاه اسماعیل ثانی به جای شاه طهماسب اول بر تخت حکومت نشست. در همین سال ابراهیم میرزا نیز همچون بسیاری از شاهزادگان صفوی توسط شاه اسماعیل دوم به قتل رسید. بعد از مرگ وی خواجه حسین برای خدمت شاه اسماعیل دوم به قزوین شتافت و قصیده‌ای بر سبیل ره آورد تهنیت جلوس وی سرود. مطلع قصیده این است:

بر تخت جم سکندر گیتی‌ستان نشست  
 یوسف ز چه بر آمد و بر آسمان نشست  
 از آنجا که نامی از سلطان اسماعیل ثانی در این قصیده نیامده بود، شاه صفوی برآشفته و از خواجه حسین در خشم شد. فخرالزمانی مینویسد: «این قصیده را به غایت خوب گفته است ولیکن از گردش فلک کج روش مرضی طبع آن پادشاه نشد و فرمود که نام من درین قصیده نیست، البته ثنایی این قصیده را برای سلطان ابراهیم میرزا گفته بود که الحال به من میگذراند، ازو در خشم شد. بنابراین خواجه حسین از بیم جان ننگ فرار بر فخر قرار، ترجیح داده از ایران به دارالامان هند آمد. (تذکره میخانه، فخرالزمانی: ص ۲۰۴)

پس از آنکه ثنایی به هند رسید؛ به شاعران دربار جلال الدین اکبرشاه پیوست. تعداد شاعرانی که در دربار جلال الدین اکبر به سر میبردند و یا به دربار او انتساب داشتند و از دور و نزدیک او را مدح مینمودند بسیار است. شعرای دربار اکبرشاه را قریب به دویست شاعر که غالب آنها ایرانی بودند، دانسته اند. (صائب و سبک هندی در گستره تحقیقات ادبی، محمد رسول دریاگشت: ص ۴۰۱) غزالی مشهدی، شیخ فیضی دکنی، عرفی شیرازی، نظیری نیشابوری، وزین اصفهانی، بایزید هروی، درویش بهرام سقای ماوراءالنهری، حرفی کشمیری، صبوحو جغتایی، مشفق نجاری و حسین ثنایی مشهدی از شعرای مهم دربار جلال الدین اکبرشاه میباشند. در آغاز، کار خواجه حسین ثنایی در دربار گورکانی آنگونه که میپنداشت؛ بالا نگرفت ولی کم کم ابوالفتح مسیح الدین گیلانی صدراعظم و امین دربار اکبرشاه او را در کنف حمایت خویش گرفت.

حسین ثنایی بعدها در شمار دوستان میرزا عبدالرحیم خان خانان - سپهسالار اکبرشاه - نیز در آمد؛ اما همچنان تا آخرین روزهای حیاتش با ابوالفتح گیلانی مکاتبه داشت. گلچین معانی صاحب کاروان هند، پیوستن خواجه حسین را به میرزا عبدالرحیم

خان خانان ، پس از وفات ابوالفتح گیلانی میدانند و مینویسد: «پس از فوت حکیم مزبور [ابوالفتح گیلانی] به سلسله سپهسالار کریم و نامدار میرزا عبدالرحیم خان خانان پیوسته و همواره از صلات و جوایز وی مرضی الحال میزیسته.» (کاروان هند، گلچین معانی، ج ۱: ص ۲۵۹ - ۲۵۸) با توجه به تاریخ وفات ابوالفتح گیلانی به سال ۹۹۷ هجری یعنی یک سال پس از درگذشت حکیم ثنایی و نیز مرقعات ابوالفتح نظر گلچین معانی صحیح نمیباشد.

به هر حال ثنایی در دربار جلال الدین اکبر شاه و ملازمت سپهسالار میرزا عبدالرحیم خان خانان دوران خوبی را طی نمود و در شمار ستایشگران این دو بزرگ قرار گرفت. ثنایی قصاید متعددی در مدح اکبر شاه دارد از جمله:

برآستان شاه ثناییی نهم ز دوش  
اکبر جلال دین که فلک بهر سجده اش  
از دست همت تو نماند دگر به جای  
و یا:

این بار جان خسته که دشوار میکشم  
گوید به خاک گوشه دستار میکشم  
گر بر جدار صورت دینار میکشم  
(ثنایی، دیوان، قصیده ۶۲)

...دُر درج شهنشاهی که عدلش  
جلال دولت و دین شاه اکبر  
بود با طبع او در آب خشکی  
دهد بر هستی ذاتش گواهی  
که رای اوست نور صبحگاهی  
کند درخشم او آتش گیاهی  
(ثنایی، دیوان، قصیده ۸۵)

ثنایی همچنین صاحب مثنوی است در بحر متقارب (فعولن فعولن فعل) مشهور و موسوم به «سد سکندر» و «باغ ارم». وی این مثنوی را به تقلید از اسکندر نامه نظامی به نام و در تقدیم به اکبر شاه سروده است. تعداد ابیات این اسکندر نامه حدود ۹۲۰ بیت است و با مطلع زیر شروع میشود:

به نام جهانبخش ملک آفرین  
در دیوان ثنایی علاوه بر مدح بزرگان حکومتی ، بارها مدح ائمه اطهار از جمله امام علی علیه السلام و امام رضا علیه السلام نیز دیده میشود.

## وفات ثنایی

وفات خواجه حسین بی شک در لاهور اتفاق افتاده است . سال وفات او را مآثر رحیمی سال ۹۹۰ هجری دانسته است اما دیگر تذکره نویسان تاریخ وفات او را ۹۹۵ یا ۹۹۶ هجری برشمرده اند و تنها دهخدا سال ۱۱۹۶ ه.ق را به عنوان سال وفات شاعر ذکر نموده است . ثنایی حدود دوازده سال آخر عمر خویش را در هند گذراند. آنگونه که از مرقعات ابوالفتح

گیلانی به خواجه حسین برمی آید.<sup>۱</sup> وی اواخر عمر خود را در بیماری، ناامیدی به صحت و غم فرزندان به سر برده است. حکیم ابوالفتح گیلانی در ایام بیماری خواجه حسین یعنی در دهم رمضان ۹۹۶ هجری در جواب نامه شاعر، رقعہ ای نوشته و در آن برای وی آرزوی سلامتی کرده است.

در کمتر از یک ماه پس از تاریخ کتابت این نامه؛ ابوالفتح گیلانی در حاشیة نامه‌ای که در غرہ شوال ۹۹۶ هجری برای برادرش نجیب الدین همام نوشته است، آورده: «خواجه حسین ثنایی هم این جهان را پدرود کرد - مصراع: «آنکه نمرده است و نمیرد یکیست.»» (مرقعات، ابوالفتح گیلانی: ص ۱۲۵)

به استناد این دو نامه شک نمی‌ماند که مرگ شاعر باید در روز یا شبی از تاریخ دهم رمضان تا روزهای آغازین شوال ۹۹۶ هجری قمری اتفاق افتاده باشد. بنابراین، نظر لغتنامه در تاریخ فوت شاعر (۱۱۹۶ ه.ق) نادرست است و شاید این تاریخ صورت تحریف شده (۹۹۶ ه.ق.) باشد. کالبد خواجه حسین در لاهور بر سبیل امانت به خاک سپرده شد. با گذشت زمان میرمحمد باقر مشهدی، خالوزاده خواجه حسین<sup>۲</sup> یا خواهر زاده او<sup>۳</sup> - که خود نیز در شاعری طبعی ظریف داشته است - نعش و استخوانهای خواجه حسین را از لاهور به مشهد مقدس منتقل میکند و در آن آستان مدفون میگرداند.

ملاکامی سبزواری عبارت «سخنور نیک» را ماده تاریخ وفات شاعر یافته است.<sup>(سفینة خوشگو، بنداربن داس، دفتر ۲: ص ۱۵۰)</sup>

مولانا شکیبی اصفهانی نیز در ساقینامه‌اش به مرگ خواجه حسین و نیز فوت عرفی شیرازی (وفات ۹۹۹ ه.) اشاره نموده است:

ثنایی خداوند معنی برفت      زدنبال، عرفی به دعوی برفت  
(تذکره میخانه: فخرالزمانی: ص ۳۱۴)

نتیجه آنکه با توجه به شرح حال ثنایی و اشعار او، متن لغتنامه را میتوان بصورت زیر اصلاح نمود:

«حسین بن غیاث الدین [و نه عنایت] (خواجه...)، یکی از شعرای ایران. او در عهد سلاطین صفوی ملازمت خدمت ابراهیم میرزا داشت و به زمان اکبر شاه به هندوستان هجرت کرد و در سال ۹۹۶ ه. و نه ۱۱۹۶ ه. درگذشت. او را به فارسی دیوانی است و منظومه‌ای به نام باغ ارم دارد.»

۱. متأسفانه با تمام تلاشی که شد نامه های خواجه حسین به حکیم ابوالفتح گیلانی به دست نیامد.

۲. ر.ک. احمد گلچین معانی، کاروان هند، ص ۲۵۹.

۳. ر.ک. احمد گلچین معانی، کاروان هند، ص ۱۵۰.



### ثبت اشعار ثنایی مشهدی به نام سنایی غزنوی در دهخدا

از دیگر خطاهای لغتنامه که اغلب به نقل از آندراج اتفاق افتاده است اختلاط اشعار ثنایی مشهدی با سنایی غزنوی، شاعر برجسته و مشهور قرن ششم میباشد. در شواهد و مثالهایی که در ذیل برخی لغات و ترکیبات لغتنامه آمده با اشعاری از آن ثنایی مشهدی روبرو میشویم که به اشتباه به نام سنایی غزنوی ثبت شده است از جمله در ذیل ترکیب «چشمه میم» در لغتنامه بیت زیر منسوب به حکیم سنایی آمده است:

محبت تو جگر تشنگان بادیه را  
کند زلال خضر در گلو ز چشمه میم  
در حالی که این بیت متعلق به دیوان ثنایی مشهدی به آدرس (دیوان، قصیده ۷۲، بیت ۲۱) میباشد.  
نمونه‌های زیر نیز در لغتنامه به همین شکل به غلط به اسم حکیم سنایی ثبت شده اند.  
برای اثبات و استناد این سخن در ذیل ابیات مآخذ آنها در دیوان ثنایی ذکر شده است:

#### - ذیل ترکیب «آتش افروز»

آفتاب سپهر با همه قدر  
آتش افروز دیگدان من است (دیوان ثنایی، قصیده ۸، بیت ۲۰)  
- ذیل «پنجه»

کف شکرانه کشم بر رخ زر و آنکه  
پنجه در پنجه خورشید زر افشان بروم  
(لغتنامه به نقل از آندراج؛ (دیوان ثنایی، قصیده ۶۹، بیت ۳)

البته در لغتنامه «خورشید درخشان» آمده است.

#### - ذیل ترکیب «دست فغان از دامن لب افکندن»

طاقتم بنگر کز آن تیغی که بر سر خورده ام  
در دم از دامن لب دست فغان افکنده ام  
(لغتنامه به نقل از آندراج؛ (دیوان ثنایی، قصیده ۵۴، بیت ۹)

#### - ذیل واژه «مداخل»

سراج دهر هر شب بهر جناح زینش  
دوزد ز چرخ انجم تا صبحدم مداخل  
(لغتنامه به نقل از آندراج؛ (دیوان ثنایی، قصیده ۵۱، بیت ۳۶)

#### - ذیل واژه «روز بار»

علی عالی اعلا که چوب حاجب او  
سر ینال و تکین را به روز بار شکست  
(لغتنامه به نقل از آندراج؛ (دیوان ثنایی، قصیده ۱۳، بیت ۱۳)

#### - ذیل واژه «تار و مار»

گر فتنه بود چون سر زلفت به انبیهی  
اکنون نسیم عدل شهش تارتار کرد  
(لغتنامه به نقل از آندراج، جهانگیری، بهار عجم؛ (دیوان ثنایی، قصیده ۲۷، بیت ۵)

البته در لغتنامه «تار و مار» آمده است.

### ذیل «برق زدن»

گرد عزمت پرده‌ای از خاک بر میبنددش هر کجا ابر بلا برق عذایی میزند  
(لغتنامه به نقل از آندراج): (دیوان ثنایی، قصیده ۳۶، بیت ۱۶)

همچنین در لغتنامه گاه میبینیم که در ذیل ابیاتی، نام شاعر به جای حسین ثنایی به اشتباه حسین سنایی ثبت شده است از جمله:

#### - ذیل ترکیب «رنگ برداشتن»

ز صدمت تو توان کرد کوه را سیماب ز هیبت تو توان رنگ ارغوان برداشت  
(لغتنامه به نقل از بهار عجم): (دیوان ثنایی، قصیده ۱۵، بیت ۱۰)

#### - ذیل واژه «افگندن»

مگر ز باغ ارم با صفاش حرفی گفت که تیغ باد سحر غنچه را زبان افگند  
(دیوان ثنایی، قصیده ۳۸، بیت ۷)

#### - ذیل ترکیب «فرش انداختن»

باش تا حجله ساز طالع تو بزم را فرش ز اختر اندازد  
(دیوان ثنایی، قصیده ۲۹، بیت ۵۳)

ناگفته نماند در بسیاری موارد، لغتنامه از اشعار خواجه حسین ثنایی مشهدی به عنوان شاهد و مثال استفاده نموده است و این خود بیانگر جایگاه ثنایی در ساخت واژه و ترکیبات جدید است.

### نتیجه

از مطالب گفته شده میتوان اینگونه نتیجه‌گیری نمود:

۱. نام شاعر آنگونه که در متون تاریخ ادبیات آمده حسین بن غیاث‌الدین است. (موافق با دومین ثنایی در لغتنامه)
۲. به استناد شرح حال ثنایی در تذکره‌ها و منابع تاریخی و به شهادت دیوان اشعار وی، او از ملازمان خدمت ابراهیم میرزا است. (موافق با اولین ثنایی در لغتنامه)
۳. به استناد دیوان شعر ثنایی و متون تاریخی، وی سالیانی را در هند و در دربار اکبر شاه حضور داشته است. (موافق با دومین ثنایی در لغتنامه)
۴. ثنایی مشهدی همان صاحب منظومه باغ ارم یا سد سکندر است. (موافق با سومین ثنایی در لغتنامه)
۵. بنابراین آنچه در لغتنامه آمده است مطالب پراکنده‌ای هستند مربوط به شرح حال تنها یک شاعر به نام خواجه حسین ثنایی مشهدی.

۶. در شواهد شعری لغتنامه، گاه ابیاتی از حسین ثنایی مشه‌دی به نام حکیم سنایی ثبت شده است؛ و گاه نیز به اشتباه نام شاعر حسین سنایی آمده است.

## منابع

۱. آندراج؛ شاد، محمد پادشاه بن غلام؛ ۷جلد؛ تهران: نشر خیام، ۱۳۳۵.
۲. بهارستان سخن؛ شاه نواز خان، میرعبدالرزاق صمصام الدوله؛ تصحیح و تعلیق عبدالمحمد آیتی، حکیمه دست رنجی؛ تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۸.
۳. تاریخ ادبیات در ایران؛ صفا، ذبیح الله؛ ج ۱/۵ و ۲/۵؛ تهران: امیر کبیر.
۴. تذکره عرفات العاشقین و عرصات العارفین؛ اوحدی بلیائی، تقی الدین محمد بن محمد؛ تصحیح و تحقیق محسن ناجی سفرآبادی؛ تهران: انتشارات اساطیر، چ اول، ۱۳۸۸.
۵. تذکره هفت اقلیم؛ امین احمد، رازی؛ تصحیح محمدرضا طاهری (حسرت)؛ جلد دوم؛ تهران: انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی، چ سوم، ۱۳۸۹.
۶. تذکره ریاض الشعرا؛ علیقلی، واله داغستانی؛ مقدمه و تصحیح و تحقیق سید محسن ناجی نصرآبادی؛ چ اول و ج سوم؛ تهران: اساطیر، ۱۳۸۴.
۷. تذکره شعرای پنجاب؛ عبدالرشید، سرهنگ خواجه (گردآورده)؛ انتشارات اقبال (آکادمی کراچی)؛ ۱۳۴۶.
۸. تذکره شمع انجمن؛ حسن خان بهادر، سیدمحمد صدیق؛ تصحیح و تعلیقات محمدکاظم کهرویی؛ دانشگاه یزد، چ اول، ۱۳۸۶.
۹. تذکره میخانه؛ ملاعبدالنبی، فخرالزمانی؛ تصحیح احمد گلچین معانی؛ تهران: انتشارات اقبال، چ سوم، ۱۳۶۲.
۱۰. تذکره نتایج الافکار؛ گوپا موی، قدرت الله؛ تصحیح یوسف بیگ باباپور؛ قم: مجمع ذخایر اسلامی، ۱۳۸۷.
۱۱. ریحانه الادب؛ مدرسی، میرزا محمد علی؛ چ اول؛ چاپخانه صدری، چ چهارم، ۱۳۷۴.
۱۲. سفینه خوشگو؛ بنداربن داس؛ دفتر دوم؛ تصحیح دکتر سید کلیم اصغر؛ تهران: مرکز پژوهش کتابخانه مجلس شورای اسلامی، چ اول، ۱۳۸۹.
۱۳. صائب و سبک هندی در گستره تحقیقات ادبی؛ دریاگشت، محمدرسول؛ مصحح منصور جهانگیر توکلی؛ تهران: قطره، چ اول، ۱۳۷۱.
۱۴. فرهنگ شعرای پارسی؛ حقیقت، عبدالرفیع؛ شرکت مولفان و مترجمان ایران؛ چ اول، ۱۳۶۸.

۱۵. کلیات اشعار؛ ثنایی مشهدی؛ حسین؛ مقدمه، تصحیح و تعلیقات احترام رضایی؛ رساله دکتری.
۱۶. کاروان هند؛ گلچین معانی، احمد؛ ج اول و دوم؛ تهران: انتشارات آستان قدس، چ اول ۱۳۶۹.
۱۷. گلچینی از گلشن رضوان؛ به اهتمام پرفسور کاظم فتحی؛ ج اول؛ تهران: نشر سه‌سهند، چ دوم، ۱۳۸۳.
۱۸. لغتنامه؛ دهخدا، علی اکبر. انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. مآثر رحیمی؛ نه‌اوندی، عبدالباقی؛ تصحیح عبدالحسین نوایی؛ بخش سوم زندگینامه‌ها؛ تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چ اول، ۱۳۸۱.
۲۰. مجمع‌الخواص به زبان ترکی جغتایی؛ صادقی کتابدار؛ ترجمه به زبان فارسی از دکتر عبدالرسول خیامپور؛ تبریز: چاپخانه اختر شمال، ۱۳۲۷.
۲۱. مرقعات؛ گیلانی، حکیم ابوالفتح؛ تصحیح دکتر محمد بشیر حسین؛ اداره تحقیقات پاکستان: دانشگاه پنجاب لاهور، چ اول، ۱۹۶۸.